

تصمیمات قضائی

ردیف ۶

کلاس پرونده - ۱۳ / لک - ۵۱۳۹

فرجامخواه - آقای محسن بو کانت از سید عزیز

فرجامخوانده - دادسرای استان پنجم

فرجامخواسته - حکم شماره ۹۲ - ۵ - ۱ / ۲ / ۹ / ۲ / شعبه ۳ دادگاه استان پنجم

تاریخ ابلاغ حکم - ۱۷ / دیماه / ۴۲

تاریخ فرجامخواهی - ۲۸ / دیماه / ۴۲

گزارش - بنا بگزارش گروهان ژاندارمری همدان در تاریخ ۳ / ۲ / ۴۰

یک کاسیون کمپرسی محتوی چای و پارچه و صابون و کت مستعمل خارجی از سید

عزیز بشرح صورتمجلس تنظیمی و قبض آدای قاچاق ضبطی کشف و

تحويل اداره گمرک همدان و سید عزیز و همچنین راننده کاسیون بنام توکل نیز دستگیر

و با مبلغ هشت هزار ریال وجه نقد موجود در جیب سید عزیز که بصاحبش مسترد شد

و تحويل گردید و ضمن تقاضا نامه شماره ۴۴ - ۲ - ۴ / ۲ / ۴۰ اداره انحصارات شهرستان

همدان از دادسرای آن شهرستان باستناد قانون مجازات مرتکبین قاچاق صدور قرار

بازداشت بدل از جریمه معادل مبلغ ۱۶۷۱ ریال درباره سید عزیز نامبرده درخواست

شده و در همان تاریخ باستناد ماده ۷ قانون مجازات مرتکبین کالای قاچاق و تقاضای

اداره گمرک قرار بازداشت متهم از طرف آقای بازپرس شعبه اول همدان صادر و ابلاغ

گردید و متهم در تاریخ ۶ / ۱۰ / ۴۰ از اداره گمرکات و انحصارات همدان ضمن

اعلام برت خود و همچنین از پرداخت جریمه تقاضای قبول کفیل و آزادی خود را

نموده تا اسناد و مدارک خرید اجناس را ظرف دو ماه تهیه نموده و بان اداره تسلیم

کند و از طرف اداره مزبور جواباً طی شماره ۲۵۸ - ۲ / ۲ / ۴۰ بنمایند قضائی خود

آقای لاجوردی نوشته شده که از متهم اخذ کفیل شود ولی چون آقای دادستان

تبدیل قرار بازداشت را بکفیل غیر مقدور دانسته علیهذا آقای لاجوردی بنمایندگی

آن اداره در یکی از دفترخانه های اسناد رسمی حضور یافته از کفیل معتبری که

متهم معرفی میکند با اخذ وثیقه ضمن تنظیم سند رسمی قبول و کالت کنید و در صورتیکه متهم بعلت دیگری بازداشت نباشد از زندان شهربانی آزاد فرمائید و دستور آزادی متهم از طرف رئیس ادار انحصارات همدان طی شماره ۲۶۰ - ۴/۲/۶ - ۴ به دایره زندان شهربانی آن شهرستان صادر گردیده و در همان روز سند رسمی شماره ۳۷۹۴ - ۴/۲/۶ دفترخانه شماره ۵ همدان با اخذ وثیقه و حق فروش ششدهانک یکدستگاه عمارت شماره ۴ فرعی از ۷۹۱ اصلی بخش ۱ همدان بفتح اداره گمرکات تنظیم گردیده و صورت مدارک و اسناد خرید کالاهای نامبرده در تاریخ ۴/۲/۲۵ از طرف متهم با اداره انحصارات تقدیم شده و تحت رسیدگی قرار گرفته و در خلال تحقیقات و رسیدگیهای معموله اداره گمرک متهم بطرفیت اداره دارائی و دادسرای شهرستان همدان دادخواست برائت نسبت بپرداخت جریمه ۲۸ صندوق چای دادگاه آن شهرستان طی شماره ۹۲۸ - ۴/۱۲/۲۴ تقدیم داشته و شعبه دوم دادگاه شهرستان همدان پس از انجام رسیدگی در جلسات عدیده بموجب رأی شماره ۶۰۹ - ۴/۸/۲۷ با توجه بمدافعات مدعی برائت و معرفی یدماقبل خود مؤیداً باظهارات حسین ... فروشنده چای و اظهارات ابوالقاسم ... واسطه معامله و منطبق بودن علامت صندوقها چای جفت غزال توقیفی باعلامت چایهای استردادگی گمرک غرب بفروشنده و سایر محتویات پرونده عدم احراز بزهکاری سید عزیز ... بارتکاب قاچاق ۲۸ صندوق چای برائت مشارالیه اعلام گردید و بااستناد ماده ۸ قانون مجازات مرتکبین قاچاق حکم برد ۲۸ صندوق چای ضبطی و استرداد کلیه وجوهی که بابت جریمه اخذ شده و حق خواهان صادر شده و اداره دارائی همدان بحکم صادر معترض گردیده و شعبه سوم دادگاه استان پنجم پس از رسیدگی و حصول اختلاف بین دو نفر مستشاران و شرکت مستشار سوم بموجب رأی شماره ۸۳۱ - ۴/۱۱/۱۸ با اکثریت آراء بااستناد اینکه متهم طبق قرار بازپرس در تاریخ ۴/۲/۵ بازداشت شده و بموجب قرارداد رسمی شماره ۳۷۹۴ - ۴/۲/۶ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۵ همدان بااستناد ماده ۷ قانون مجازات مرتکبین قاچاق از زندان با تأمین وثیقه جریمه مقرر آزاد گردیده و سهلت مقرر برای تقدیم عرضحال برائت از تاریخ بازداشت وی شروع شده و فرار اقساط نقدی در خصوص ترتیب پرداخت جریمه بااستناد سند شماره ۲۷۴ - ۴/۲/۲۲ تأثیری در سهلت تقدیم عرضحال از ناحیه متهم نداشته و سلاله موقعیت دادخواست برائت نمیتواند باشد و چون با توجه بمراتب مذکور تاریخ بدو بازداشت

متهم روز ۵/۲/۴۰ بوده و دادخواست برائت در تاریخ ۴/۱۲/۲۴ خارج از موعد قانونی تقدیم شده با فسخ دادنامه بدوی قرار رد دادخواست برائت خواهان صادر گردید و رأی اقلیت نظر باطلاق ماده ۸ قانون مجازات مرتکبین قاچاق که مهلت تقدیم عرضحال برائت را از زمان بازداشت یا از تاریخ پرداخت جریمه تا ده روز تعیین نموده بهیچوجه صراحتی ندارد که پس از تاریخ بازداشت و گذشت ده روز در صورت پرداخت جریمه متهم از حق تقدیم عرضحال برائت محروم باشد و با توجه باینکه قوانین جزائی را نمیتوان مخصوصاً بضرر متهم تفسیر و تعبیر نمود عرضحال برائت در مهلت قانونی تسلیم شد و قابل رسیدگی است. خواهان برائت و وکیلش فرجامخواهی نموده اند و شعبه دوم دیوان عالی کشور رسیدگی نموده چنین رأی داده است چون مطابق ماده ۸ قانون مجازات مرتکبین قاچاق متهم میتواند در مدت ده روز از تاریخ بازداشت یا ده روز پس از تاریخ پرداخت جریمه بدادگاه مراجعه نماید و چون فرجامخواه مطابق سند رسمی شماره ۴۰۲۷-۴۰/۱۲/۲۲ تعهد نموده که مبلغ ۶۸۲۵۰ ریال جریمه ۲۸ صندوق چای را در مدت ۲۴ ماه بپردازد و در تاریخ ۴/۱۲/۲۴ اسفند ماه ۴۰ سبادت به تنظیم دادخواست برائت نموده بنابراین تنظیم دادخواست در مهلت قانونی بوده و رأی فرجامخواسته طبق ماده ۳۰ و قانون آیین دادرسی کیفری نقض و رسیدگی بهمان دادگاه صادرکننده آن رأی ارجاع میشود پس از ارجاع و رسیدگی مجدد شعبه سوم دادگاه استان پنجم بموجب رأی فرجام خواسته با اکثریت آراء حکم بدوی را قابل فسخ تشخیص داده و با همان استدلال اولیه و اینکه موارد پیش بینی شده در ماده ۸ قانون نامبرده دو حق مستقل و متوازی یکدیگر از نظر تقدیم دادخواست برائت نیست و چون متهم بدو برای پرداخت جریمه بازداشت شده سلاک و موقعیت تقدیم دادخواست برائت از تاریخ بازداشت محسوب است و ترتیب اقساط بعدی در پرداخت جریمه پس از بازداشت ایجاد مهلت جدیدی برای متهم نمی نماید و تقدیم دادخواست برائت در تاریخ ۴/۱۲/۲۴ خارج از موعد غیر قانونی است با فسخ حکم پژوهشخواسته قرار دادخواست برائت خواهان صادر گردیده و رأی اقلیت بر قبول رأی دیوان عالی کشور و قبول دادخواست و مخالفت با رد آن است. آقای محسن اجاق وکیل خواهان از برائت طی تلگراف فرجامخواهی نموده و اعتراضات او خلاصه آن است که در پرونده دو سند موجود است یکی شماره ۳۷۹۴۹ - ۴۰/۳/۶ که سند تضمینی است که موکل بد مقابل

را معرفی نماید و پس از تنظیم سند و آزادی ید ساقبل را معرفی نموده و بعض از کالاهای منبوه به موکل مسترد گردید و فقط ۲۸ صندوق چای حسب ادعا قاچاق شناخته شده که پس از تعیین جریمه طبق سند شماره ۴۰۲۷۴ - ۴۰/۱۲/۲۲ منسلاً قبول نموده که جریمه را بهر دازد و در خلال ده روز بعد از پرداخت اولین قسط عرضحال برائت تقدیم داشته و دادگاه استان نباید قرار رد صادر نماید چون رأی فرجامخواسته خلاف قانون و حق است نقض مجدد قرار استعدا شده و از طرف سید عزیز . . . نیز ضمن لایحه اعتراض شده که سند اول جهت ابراز دلائل و مدارک خریداری کالاها و معرفی ید ساقبل بوده و بعنوان علی الحساب مبلغی از طرف اداره دارائی همان تعیین و بهمان مقدار تضمین اخذ گردیده تا مأخذ واقعی جریمه را پس از استرداد بعضی کالاها معین و سند دوم بر اساس آن تنظیم شده که اثرات سند اول و اقدامات قبلی باحاط استرداد بعض کالاهای ضبطی منتفی گردیده و چون اداره دارائی مدعی گردید که ۲۸ صندوق چای قاچاق و بایستین جریمه آن پرداخت شود لذا سند دوم تنظیم و در همان تاریخ مبلغی بعنوان قسط نندی پرداخت نموده و بنابراین ابتدا مهلت مقرر در ماده ۸ قانون سر تکمین قاچاق بنمانروز تنظیم سند و پرداخت قسط نقدی یعنی ۴۰/۱۲/۲۲ میباشند نه ۴۰/۲/۶ مورد نظر دادگاه استان باوجود تفاوت فاحش بین مبلغ دو فقره اسناد رسمی و هرگاه جریمه ادعائی دادگاه استان همان مبلغ مندرج در سند اول میبود لزومی به تنظیم سند رسمی دوم نبود و قضیه از موارد اصراری است و استدعای طرح موضوع در هیئت عمومی دیوانعالی کشور و فسخ قرار و صدور دستور رسیدگی ماهوی نموده و اداره گمرک استان پنجم جواباً ابرام رأی فرجامخواسته را خواستار گردیده است. چون فرجامخواه بهمان مهلت اولیه درخواست فرجام کرده مورد طبق ماده ۶۳ و قانون آئین دادرسی کیفری اصراری و قابل طرح در هیئت عمومی میباشد.

بتاریخ روز چهارشنبه پانزدهم مهرماه ۱۳۴۳ جلسه هیئت عمومی بریاست جناب آقای محمد سروری رئیس کل دیوان عالی کشور با حضور جناب آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی دادستان کل کشور و آقایان رؤسا و مستشاران شعب دیوان مزبور تشکیل پس از طرح و قرائت گزارش پرونده و مطالعه اوراق لازم با کسب عقیده جناب آقای دادستان کل مبنی بر ابرام بشرح (طبق ماده ۷ قانون سر تکمین قاچاق هرگاه سر تکب قاچاق جریمه مقرر در قانون و یا بهای مال از بین

رفته را نپردازد بازداشت میشود و مطابق ماده ۸ همان قانون متهمی که جریمه از او گرفته شده و یا برای وصول آن بازداشت گردیده میتواند تا ده روز پس از پرداخت جریمه یا ده روز پس از تاریخ بازداشت بدادگاه مراجعه کند از امعان نظر برد و ماده فوق معلوم میگردد که وضع متهمی که در معرض اتهام قاچاق قرار میگیرد از دو حال خارج نیست یا متهم برای اینکه بازداشت نشود جریمه را بپردازد در اینصورت میتواند تاده روز دادخواست برائت بدادگاه تسلیم کند و یا اینکه از پرداخت جریمه ای اعتراض میکند و بازداشت میشود و در اینصورت میتواند تاده روز بدادگاه شکایت کند و چنانچه عرضحال برائت تسلیم نکرد حق شکایت او طبق تبصره ۳ ماده ۸ قانون سرنگین قاچاق بکلی ساقط میگردد.

تبصره ۳ - ادارات ماسور وصول درآمد میکنند بکسی که برای اخذ جریمه بازداشت میشود کتباً ابلاغ کنند که در صورت انکار ارتکاب تاده روز با رعایت مسافت قانونی میتواند بدادگستری مراجعه کند والا حق شکایت او ساقط خواهد شد (بنا بر این مسلم میگردد که طبق دو ماده ۷ و ۸ قانون سرنگین قاچاق مدت تقدیم دادخواست برائت فقط یک ده روز پیش نیست زیرا هرگاه متهم جریمه را بپردازد قرض بازداشت او موضوعاً منتفی است تا مقرر شود که از لحاظ بازداشت هم در ظرف ده روز حق مجدد تقدیم دادخواست برائت را دارا میباشد و برعکس اگر متهم بازداشت شود و در ظرف ده روز بدادگاه مراجعه نکند حق شکایت او طبق تبصره ۳ ماده ۸ بکلی ساقط میگردد.

در قضیه مانحن فیه متهم در تاریخ ۵/۲/۴۰ بازداشت شده و اقدام بتسلیم عرضحال برائت نکرده است و بعداً طبق سند مورخ ۲۲/۲/۴۰ تعهد نموده که مبلغ جریمه را در مدت ۲۴ ماه بپردازد و در تاریخ ۴/۲/۴۰ یعنی تقریباً ده ماه بعد از بازداشت مبادرت بتقدیم دادخواست برائت نموده است نتیجه قبول این قبیل عرضحال های برائت این خواهد بود که مدت ده روز که منجزاً از طرف متقن تعیین گردیده رعایت نشود و در ازا مدت تسلیم عرضحال برائت منوط بمیل اشخاص و کیفیت تقسیط باشد. در صورتیکه اصولاً مواعید پیش بینی شده از طرف قانون گزر از قواعد آمره بوده و هیچیک از اصحاب دعوی نمیتوانند از آن تخلف نمایند. مدت کوتاه ده روز مقرر در ماده ۸ برای اینست که متهم چنانچه واقعاً دلتلی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز دارد نه اینکه هر وقت توانست تصنعاً دلتلی نماید

آنموقع را برای تسلیم عرضحال برائت برگزینند و بدینوسیله پرداخت جریمه را که یکی از وسائل حمایت صنایع داخلی است خنثی سازد. بنا بر مراتب فوق بخوبی مسلم میگردد که تقدیم دادخواست ده ماه بعد از تاریخ بازداشت یکروزه قابل قبول نبود و دادگاه نمیتوانسته خارج از مدت ده روز که از قواعد آمره است چنین عرضحال را بپذیرد. بنابراین معتقد با برام رأی دادگاه استیناف میباشم. دادستان کل.

مشاوره نموده با کثرت آراء بشرح زیر رأی میدهند:

چون بطوریکه شعبه ۲ دیوانکشور هم تشخیص داده و استدلال نمود مطابق ماده ۸ قانون کیفر مرتکبین قاچاق شخصیکه متهم بارتکاب قاچاق بوده و از طرف بازپرس قرار بازداشت بدل از جدیمه درباره او صادر شده است میتواند از دو مهلت قانونی برای سراجعه بدادگاه تقدیم دادخواست برائت استفاده نماید یکی از آنها تاده روز پس از تاریخ بازداشت و دیگری تا ده روز پس از پرداخت جریمه است و چون در این پرونده فرجامخواه مبلغ ۱۲۳۹ ریال از جریمه را بموجب قبض شماره ۴۱۹۸.۴ - ۴/۱۲/۲۳ پرداخته و بقیه را تعهد نموده و وثیقه سلکی داده که بموجب سند رسمی شماره ۴۰۲۷۴ - ۴/۱۲/۲۲ با قسط تادیه نماید و اداره گمرک نیز این تعهد را قبول و بنوازم آن عمل کرده و دادخواست برائت از طرف متهم مزبور هم در ۲۴ اسفند ۱۳۴۰ که در خلال مدت ده روز از تاریخ پرداخت جریمه میباشد بدفتر دادگاه شهرستان رسیده و بشماره ۹۲۸ - ۴/۱۲/۲۴ ثبت شده است بنابراین دادخواست برائت مطابق ماده ۸ قانون سابق الذکر مهلت قانونی تقدیم شده و قابل قبول بوده و رأی فرجامخواسته بدستور ماده ۳۵ قانون آئین دادرسی کیفری با کثرت نقض و رسیدگی بشعبه دیگر دادگاه استان پنجم ارجاع میشود.

* * *

ردیف ۱. هیئت عمومی

کلاس پرونده - ۵۰۲۲/۲۲

فرجامخواه - بهرام

فرجامخوانده - دادستان استان اهواز و اسمعیل

فرجامخواسته - دادنامه شماره ۵۰۲ - ۴/۲۵/۴۲ صادر از شعبه سوم

دادگاه استان اهواز

گردشکار - فرجامخواه بدادسرای آبادان شکایت کرده که بعد از تسامح و بی‌مبالایی آقای اسداعیل در معالجه پایش بیماری او شدت پیدا کرده که منجر بقطع عضو او گردیده است دادسرای آبادان از جهت محل وقوع جرم قرار عدم صلاحیت خود را باعتبار صلاحیت دادسرای اهواز صادر پرونده بدادسرای اهواز ارسال و بشعبه چهارم بازپرسی ارجاع میگردد آقای بازپرس شعبه چهارم پس از یک سلسله رسیدگی از جهت عدم وقوع جرم اظهار نظر بر منع تعقیب متهم مینماید که مورد موافقت آقای دادستان اهواز واقع میشود شاکی باین قرار معترض و تقاضای رسیدگی پژوهشی مینماید شعبه چهارم دادگاه استان اهواز رسیدگی و بشرح دادنامه شماره ۴ - ۱/۱/۲۶ با اکثریت چنین رأی داده است: اعتراض شاکی خصوصی اجمالاً اینست که چون پزشک معالج مسبب ضرب و جرح و قطع پا و نتیجه ایجاد نقص عضو گردیده است ملایمه مستوفی بوده مستوجب تعقیب و مجازات است قسح نظر از اینکه مسبب عنوانی در قانون جزا ندارد اصولاً دلیلی بر احراز صحت ادعا اقامه نشده و چنانچه مورد نظر شاکی خصوصی بی احتیاطی یا تصور و تعدل در مراقبت و پرستاری باشد با توضیحاتیکه متهم داده و مستفاد از اظهارات خود شاکی که گفته است پس از گچ گیری با کسانش بملائثانی عزیمت نموده و سالاً از دسترس پزشک معالج خارج بوده است. موضوعاً منتفی است خاصه اینکه پزشک ضرورت لاقبل چهار روز استراحت و حرکت نکردن و تحت مراقبت بودن را متذکر گردیده که در چنین وضعی عزیمت شاکی مستوفی بملائثانی صحیح نبوده و بهر تقدیر ایجاد ضایعه و معطل عمل خود وی بوده است نه پزشک معالج بنا بر مراتب اشکالی برقرار معترض نه وارد نبوده و استوار میشود اقلیت با توجه بنظر پزشک از جهت بی احتیاطی موضوع را قابل تعقیب دانسته شاکی باین قرار معترض و درخواست فرجام مینماید شعبه نهم دیوانعالی کشور رسیدگی و بشرح دادنامه شماره ۴۱۴۴ - ۱/۱/۲۳ چنین رأی داده است. رأی دادگاه استان که مورد فرجامخواهی شاکی خصوصی واقع شده سببی است بر تأیید قرار بازپرسی دائر بمنع تعقیب متهم که بشرح استدلال مندرج در نظریه مورخ ۱/۵/۴۱ بازپرس شعبه ۴ اهواز از لحاظ جرم ندانستن عمل انتسابی و بالنتیجه عدم وقوع بزه صادر گردیده است و برطبق ماده ۱۸ آئین دادرسی کیفری از طرف شاکی خصوصی قابل شکایت فرجامی میباشد و اگرچه از طرف فرجامخواه ایراد و اعتراض خاصی نسبت بان بعمل نیامده تا مورد توجه و رسیدگی

تصمیمات قضائی

قرار گیرد لیکن اشکالات موثری که بر رأی فرجام‌خواسته وارد بنظر می‌رسد از جهت نیهافت و تناقض مفاد آن و مخالفت آن با قانون و بالاخره نقص تحقیقات و رسیدگی است زیرا اولاً چنانچه دادگاه با تأیید و پیروی از نظر بازپرس دایر بجرم ندانستن عمل انسانی بقرینه‌ای که در مقدمه رأی خود جمعه (قطع نظر از اینکه سبب عنوانی در قانون جزا ندارد) را ذکر نموده عمل مزبور را عنواناً و ساحتاً جرم نمی‌داندست حاجت نبود باینکه برای یک عمل مباح و مجاز در زمینه عدم ثبوت صحت ادعا و نفی بی‌احتیاطی متهم و ناشی دانستن ضایعه از بی‌سبب‌اتی شخص شاکی استعلام نماید و ثانیاً همانطوریکه شاکی خصوصی نیز ضمن لایحه خود بعنوان شعبه ۴ دادگاه استان که تحت شماره ۱۱۲۲ - ۴۰/۸/۲۰ ثبت گردیده اشعار دانسته است بسبب وقوع ورود جرح یا ضرب غیرعمدی بطور کلی خصوصاً در موردی که ناشی از بی‌احتیاطی یا مخالفت بانظامات دولتی باشد بموجب صریح ماده ۱۷۴ قانون مجازات عمومی جرم شناخته شده است و ثالثاً چون با دقت و توجه بنظرید پزشکی موجود در پرونده باستضاء دکتر داراپتیمان و رأی اقلیت دادگاه استان و مراجعات متهم لازم بوده در یک امر صرفاً فنی پس از ادب عقیده کارشناس مشخص الثباتاً یا فنیاً اظهار نظر برتوجه مسئولیت متهم شده باشد و بدون جلب نظر کارشناس اظهار عقیده در این باره از صلاحیت بازپرس و دادگاه خارج بوده است لذا از این جهت نیز رأی فرجام‌خواسته بی‌اعتبار و مخدوش است و لذا بجهت یاد شده رأی مزبور باتفاق آراء نقض و رسیدگی مجدد بشعبه دیگر دادگاه استان ششم ارجاع بشود پرونده بشعبه سوم دادگاه استان اعواز ارجاع شعبه مزبور پس از تکمیل پرونده و رسیدن بازپرس رسیدگی و بشرح دادنامه شماره ۵۰۲ - ۴۲/۴/۲۰ چنین رأی داده است آنچه مسلم است که نقص عمل قطع پای شاکی که بمنظور معالجه بوده میر عمادی ندیده‌اشد تا بامرض متهم مسبب آن از لحاظ جنبه کیفری متجره شناخته شود زیرا تسبب معنون در ماده ۱۷۷ قانون مجازات ناظر و عطف بجرم ضرب غیرعمدی بوده نه در اینمورد که قطع پای شاکی برای معالجه بوده است و متهم سر تکب عمعی نشده که جرم شناخته شود و نتیجه قرار بازپرس دایر بمنع تعقیب متهم مانع شورتاً پیدا میشود رأی بشاکی خصوصی ابلاغ در مهلت مقرر ضمن تقدیم لایحه‌ای بدون ذکر اعتراض فرجام‌خواسته و متذکر شده دلائل کافی را مستقیماً بدیوانکشور خواهیم فرستاد. پرونده برای رسیدگی باین شعبه ارجاع گردیده است.

پس از قرائت گزارش فوق و مذاقه در اوراق مربوطه پرونده، بنظر رسید که رأی فرجام‌خواسته سببی بر جرم ندانستن عمل انتسابی با توجه بقسمت ثانیاً از رأی دیوان کشور صادر از این شعبه اجرایی است و چون شاکی خصوصی فرجام‌خواه از همان علی‌الیه درخواست فرجام نموده لذا قضیه قابل طرح در هیئت عمومی دیوان عالی کشور است. گردیده است که با فرض اینکه احوال و بی‌مبالاتی متهم در حدوث آن مدخیت داشته باشد و مشارالیه مسبب وقوع آن تشخیص شود چون قضیه غیر عمدی بوده، با داده سابق الذکر قابل تطبیق بنظر می‌رسد و چون بطوریکه در رأی صادر از شعبه نهم دیوان کشور تذکر داده شده میبایستی دادگاه پس از جلب نظر کارشناس در مورد توجه یا عدم توجه اتهام بمتهم اظهار نظر نموده باشد و دادنامه فرجام‌خواسته بشرح مزبور از جهت استدلال ضعیف و مخدوش است از اینرو بر طبق ماده ۳۰ آئین دادرسی کیفری با اتفاق آرا نقض و رسیدگی مجدد بشعبه دیگر دادگاه استان ششم ارجاع میگردد.

* * *

ردیف ۱۵ هیئت عمومی

کلاس پرونده - ۳۶۰۲/۱۹

فرجام‌خواه - آقای حسین

فرجام‌خواننده - دوشیزه سکینه

فرجام‌خواسته - دادنامه شماره ۱۰/۲ - ۴۲/۷/۲۹ صادر از دادگاه

استان نهم .

تاریخ ابلاغ دادنامه - ۱۳۴۲/۱۰/۱۹

تاریخ ثبت دادخواست فرجامی - ۱۳۴۲/۱۰/۲۲

چریبانکار - ابتدا فرجام‌خواننده بنظر هیئت فرجام‌خواه دادخواستی بخواسته

اثبات شرط طلاق بدادگاه شهرستان مشهد تقدیم و توضیح داده که خواننده زوج

اینجانب است و از ۳۶/۱/۱۵ بدو ازدواج تا حال دیناری بابت نفقه تأدیه ننموده

و ساینه زیاد در دادرسی دارد و در قبالة نکاحیه شرط شده چنانچه زوج ششماه مخارج

را ندهد اینجانب از طرف زوج و کالت دارم با بذل یگریال خود را مطلقه نمایم اینک

این دادخواست بمنظور اثبات شرط تقدیم و بانضمام گواهی عده تقاضای صدور حکم

مقتضی دارد مستند دعوی رونوشت ورقه نکاحیه واستعلامیه است پس از جریان دعوی دادگاه شهرستان مشهد چنین رأی داده است چون تنها دلیل خواهان گواهی گواهانی است که در وقت مقرر آنها را برای اداء گواهی حاضر نشده با خروج این دلیل از عداد دلائل خواهان چون دعوی فاقد دلیل است حکم بر بیبختی خوانان صادر میشود از این حکم بانوسکینه پژوهشخواسته و باذکر اعتراضات بر حکم بدوی فسخ آنرا تقاضا کرده است رسیدگی پژوهشی در دادگاه استان نهم انجام و دادگاه مزبور با استماع گواهی گواهان پژوهشخواه باین خلاصه رأی داده است. نظر باینکه گواهان پژوهشخواه گواهی نموده اند که از تاریخ عقدنامه زوج زوجیه خود را بلا تکلیف گذارده و نفقه او را نپرداخته است با توجه بمدلول ورقه نکاحیه تحقیق شرط بنظر دادگاه محرز است و چون از ناحیه پژوهشخواننده دفاعی بعمل نیامده دادنامه پژوهشخواسته فسخ میشود و پژوهشخواه میتواند یا بذل یگریال از مال خود - خود را بتوقیل غیردریکی از دفاتر رسمی مطلقه نماید از حکم مزبور زوج فرجامخواسته شعبه سوم دیوانکشور چنین رأی داده است. دادگاه استان خراسان با استناد اینکه شوهر از تاریخ عقد نکاح زن خود را نفقه نداده و شرط مذکور در نکاحنامه تحقیق یافته بصدور حکم فرجامخواسته دائر باینکه زن میتواند ضمن عقد نکاح شرط کند که اگر شوهرش نفقه او را ندهد بوکالت از شوهر خود را صلاح دهد ولی این شرط وقتی قابل اجرا است که زن از شوهر خود تمکین کرده و استحقاق نفقه را پیدا کرده باشد و با ملاحظه اینکه شوهر که خواننده دعوی میباشد در دادگاه استان طبق لایحه که روی ورقه دادخواست نوشته شده بطور کلی تمام جهات دعوی خواهانرا تکذیب کرده و دادگاه بدون توجه بماده ۱۱۰۸ قانون مزبور و احراز تمکین خواهان از شوهر خود بخواهان اجازه داده است بوکالت از شوهر خود را صلاح دهد بنا بر این حکم مزبور قابل ابرام نیست و نقض میشود و تجدید رسیدگی بشعبه دیگر دادگاه استان خراسان ارجاع میگردد شعب دوم دادگاه استان خراسان پس از وصول رأی دیوان کشور چنین رأی داده است. با توجه بمؤدای گواهی گواهان قلمه شده از ناحیه پژوهشخواه در این مرحله که معینه جرح بصحت ادعاء در مورد ترک اتفاق پژوهشخواننده در مدت سمدرج در ورقه نکاحیه به پژوهشخواه میباشد و تکذیب پژوهشخواننده ضمن لایحه ای که روی ورقه دادخواست نوشته بطور کلی از تمام جهات دعوی ملازمه با عدم تمکین پژوهشخواه نداشته و مشارالیه در موضوع عدم تمکین

پژوهش‌خواه اظهار و ادعا و دفاعی نکرده و با صیون بودن ادعای پژوهش‌خواه از تعرض و دفاع پژوهش‌خواننده و در اثر تمکین با شرط مذکور در قباله نکاحیه که بدین عبارت «در ضمن عقد خارج لازم و تبیل نمود زوج زوجه را در طلاق و نفس خودش از حال وقوع تا مدت شصت سال کامل خورشیدی و در گاه ششماه بگذرد و مستخرج از نرار مبلغ سیصد ریال وجه نقد از طرف زوج بزوجه تأدیه نشد حسب الوکاله بعد از بذل یکرپال از سال خود توکیل غیر مطلقه نماید» است تحقیق یافته است از این حیث با فسخ دادنامه پژوهش‌خواسته با اجازه ماده ۱۰۵ قانون دادرسی مدنی به پژوهش‌خواه اجازه و اختیار داده میشود حسب شرط مستدرج در ورقه نکاحیه بعد از بذل یکرپال از سال خود بتوکیل غیر در یکی از محاضر رسمی خود را مطلقه نماید از این رأی درخواست رسیدگی فرجامیش و خلاصه اعتراض بر حکم فرجام‌خواسته این است که حکم فرجام‌خواسته برخلاف حقیقت صادر شده. پرونده امر حاکی از بسوازدواج فرجام‌خواننده در خانه پدرش سکونت داشته و مسائل زندگی او آماده بوده و مستخرج او را تاکنون پرداخته ام و نفقش حکم درخداست میشود. فرجام‌خواننده محدود بر حکم شایسته را تقاضا نموده است. چون حکم اخیر دادگاه استان نهم مبتنی بر همان علل و اسبابی است که حکم مستوفض سببی بر آن بوده است و نفقش حکم اخیر درخواست شده رسیدگی بامر در صلاحیت هیئت عمومی دیوان کشور است.

بتاریخ روز چهارشنبه ششم آبانماه ۱۳۴۳ جلسه هیئت عمومی بریاست جناب آقای محمد سروری رئیس کل دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای دکتر عبدالحسین علی‌آبادی دادستان کل کشور و آقایان رؤسا و مستشاران شعبه دیوان مزبور تشکیل پس از طرح و قرائت گزارش پرونده و مطالعه اوراق لازم با کسب عقیده جناب آقای دادستان کل سببی بر ابرام رأی فرجام‌خواسته مشاوره نموده چنین رأی میدهند.

عمده اعتراضات فرجام‌خواه بر حکم فرجام‌خواسته در دادگاه استان گفته شده و دادگاه مزبور با توجه و رسیدگی بآنها از نظر اینکه تکذیب زوج از دعوی ملازمه با عدم تمکین زوجه نباشته و با احراز شرط مستدرج در قباله نکاحیه سیادت بصورت حکم فرجام‌خواسته نموده و ضمیمه نمودن استشهادیه در مرحله فرجاسی دایر بعدم تمکین زوجه بالحاظ اینکه نه در مرحله بدوی و نه پژوهشی صریحاً فرجام‌خواه چنین ادعائی نموده در نقض حکم فرجام‌خواسته مؤثر نیست و چون از حیث رعایت

احوال و قواعد دادرسی اشکالی که مستلزم نقض آن حکم باشد بنظر نمی‌رسد بانفاق آراء ابرام میشود .

* * *

ردیف ۵۸ هیئت عمومی .

پرونده - ۴۸۲۲/۱۰

فرجامخواه دادستان مرکز

فرجامخوانندگان - خیرالله و جان‌مار

فرجامخواسته - دادنامه شماره ۲۴۶-۶/۱۱/۴۱

جریان کار ۱ - خیرالله بانهام ایراد ضرب و جرح منتهی بقتل نبی‌الله در اردیبهشت ۱۳۳۶ - ۲ - جان‌مار بانهام معاونت بانهام ردیف یک - ۳ - عفت بانهام معاونت بانهام ردیف یک مورد تعقیب دادرسی شهرستان ساری واقع و علیه آنان باستناد قسمت اول ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی و ماده ۳۶ در مورد ردیف ۳ و ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی نسبت بمتهم ردیف دوسه در دادگاه جنائی استان سازندران بموجب کیفرخواست ۳۵ - ۳۶/۷/۲۵ اقامه دعوی کیفری میشود . دادگاه موصوف با تعیین وکیل و اخطار ده روزه و تشکیل جلسه منتهی بصدور سرانجام در جلسه علنی با حضور متهم و وکیل آنان رسیدگی بعمل آورد و با استماع توضیحات آنان و بیانات نماینده دادرسی و مدافعان وکیل و شنیدن آخرین دفاع و اعلام پایان دادرسی با اکثریت چنین رأی میدهد . «جریان قضیه طبق دلالت اوراق این پرونده چنین است که بر اثر ورود گاو متعلق بمتهمین این پرونده بمزرعه نبی‌الله متوفی مشاجرهای بین آنها در پیگیرد که گفته شده بعداً نبی‌الله در نتیجه جراحات وارده در گذشته است چون اصولاً در معاینه پزشکی رعایت جهات لازم نشده و نظریه پزشک بر سبب تردید انشاء گردیده و قطعیت قانونی ندارد تا قابل توجه باشد چه آنکه در نظریه‌ای که جداگانه پزشک نامبرده بخط خود نوشته ذکر نموده که ممکن است علت سرگ ضربه وارده بگیج گاه متوفی باشد لذا در نظر اکثریت هیئت دادگاه قناعت وجدانی حاصل نیست که ضربه وارده از طرف متهمین بطور قطع و یقین موجب سرگ نبی‌الله باشد ولی چون خیرالله و جان‌مار و عفت متهمین موصوف در ژاندارمری و نزد آقای بازپرس شرکت خود را در این مشاجره و حتی

دو نفر اخیراً ذکر ایراد ضربات را بالصراحه نسبت به نبی الله اقرار کرده اند از نظر حیثیت مزبور ورود ضرب از ناحیه آنها به نبی الله متوفی محرز و مسلم است و چون مرتکب اصلی معلوم نیست مورد را با ماده ۱۷۵ مکرر قانون مجازات عمومی ناظر بقسمت خیر ماده ۱۷۳ قانون مزبور منطبق میدانند و در نتیجه خیر الله و جان مار هر یک به پنج ماه حبس تأدیبی و یک هزار ریال هزینه دادرسی با احتساب ایام بازداشت، مقدماتی محکوم مینمایند و نیز عفت با استناد مواد فوق الذکر و رعایت ماده ۳۶ همان قانون بدو ماه حبس در دارالتأدیب با احتساب ایام بازداشت مقدماتی محکوم میشود « اقلیت مورد را با قسمت اول ماده ۱۷۵ مکرر قانون مجازات تطبیق و طبق آن ماده متهمین را قابل مجازات دانسته است. (بر اثر فرجامخواهی دادستان استان شعبه ۸ دیوانعالی کشور بموجب حکم شماره ۴۱۰۶ / ۲۱ / ۶ / ۶۷ چنین رأی داده است: اعتراض دادستان استان سازندگان بر حکم با صلاحیت اوراق پرونده که عده ای فوت معینی علیه را بفاصله بیختصری از ساعت وقوع نزاع گواهی داده اند با توجه بفرجامخواهی ماهوی نماینده دادستان کل که عمل را منطبق با قسمت اول ماده ۱۷۵ مکرر قانون مجازات عمومی دانسته وارد است بنابراین حکم فرجامخواسته محدودش بوده بدستور ماده ۳۴ مکرر قانون مجازات عمومی بطور کلی نقض و رسیدگی بدادگاه جنائی استان سرگز ارجاع میگردد . . .) دادگاه جنائی استان سرگز با تعیین و کیل و اخطار ده روز و تشکیل جلسه مقدماتی سه نوبت و حدود قرار موقوفی تعقیب نسبت بعفت سر انجام در جلسه علنی روز سوره ۱۰ / ۲ با حضور خیر الله و جان مار و وکلای مسافعان رسیدگی بعمل آورده و با استماع توضیحات متهمان و توضیحات نماینده دادرسی و مدافعات و کیل و شنیدن آخرین دفاع و اعلام پایان دادرسی چنین رأی میدهد: « با توجه باظهارات خیر الله در ژاندارسری و بیانات بانوعفت و جان مار و گواهی ششهادی محمد و علی اکبر و همچنین اظهارات گل ابر و عبال نبی الله (متوفی) و وسایر اوضاع و احوال منعکس در پرونده مسلم و محرز است که جان مار و خیر الله (متهمان) در نزاعی که منتهی بمجرع و مضروب شدن نبی الله گردیده شرکت داشته اند ولی بالثقات بگواهی دکتر ابریشمی که قطعی و صریح نمیباشد و حتی در آن نوشته شده است جسد متعفن و بهیچ نوع تشخیص مقدور نیست و اینکه تشخیص قطعی سرگ مستلزم کالبد شکافی بوده است که در این مورد اقدامی بعمل نیامده است و همچنین با

توجه باینکه در پرونده اعلام نگردیده که آلات و ادوات کشنده‌ای در موقع نزاع در ید متهمین بوده است و اطلاعات و مدار موجود در پرونده ایجاد قطع یقین نمیکنند که سرگ نبی‌الله بطور مستقیم یا غیر مستقیم بعلت ضربات وارده بوی بوده است دادگاه عمل متهمین را مشمول ماده ۱۷۵ مکرر ناظر بماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی میداند و با توجه باینکه جرم متهمین جنبه عمومی ندارد و مستنداً بماده مذکور هر یک از خیرالله و جان مار را به پنج ماه حبس تأدیبی با احتساب ایام بازداشت گذشته محکوم میکند از حکم سزور دادستان استان مرکز بموجب لایحه تقدیمی تقاضای رسیدگی فرجاسی کرده که جناب آقای دادستان کل معصوماً بنظریه آقای دادیار دیوانعالی کشور سببی بر قابل طرح بودن پرونده به شعبه هشتم دیوانعالی کشور ارجاع میگردد. خلاصه اعتراض دادستان استان اینست که چون دادنامه صادره عیناً شبیه دادنامه منقوض و همان ایرادات و اعتراضات که قبلاً از طرف دادرای استان مازندران معمول و مورد توجه دیوانعالی کشور واقع و منتهی به نقض شده بر آن وارد و بالنتیجه مخدوش بودن آن محرز و مسلم است و تقاضای رسیدگی فرجاسی و شکستن آنرا دارد» چون موضوع ضراری بنظر میرسد پرونده بدین در هیئت عمومی مطرح و مورد رسیدگی واقع شود بتاریخ روز چهارشنبه بیست و سوم اردیبهشت ماه ۱۳۴۳ جلسه هیئت عمومی بریاست جناب آقای محمد سروری رئیس کل دیوانعالی کشور و با حضور آقای محمد مجلسی دادستان کل کشور و آقایان رؤسا و مستشاران شعب شرح زیر تشکیل پس از طرح و قرائت گزارش برآمده و مطالعه اوراق لازم با کسب عقیده جناب آقای دادستان که سببی بر نقض رأی فرجاسی خواسته مشاوره نموده بشرح زیر رأی میدهند.

تسمتی از اعتراضات دادرای استان مرکز که مورد تأیید جناب آقای دادستان کل واقع شده باینکه در فاصله زمان مختصری که از وقوع حادثه و زدو خورد گذشته نبی‌الله معینی علیه در گذشته است و با این وصف دادگاه در تطبیق عمل با ماده ۱۷۵ مکرر ناظر بماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی دچار اشتباه شده مواجه و وارد بنظر میرسد چه با توجه به جریان پرونده و نحوه گذشتار متهمان و اعتراف آنان بمداخله هر یک در ایراد ضرب قدر مسلم اینست که در آن فاصله زمان بدون وجود عارضه دیگر عمل آنان منتهی به سرگ نبی‌الله گردید و در اینصورت تطبیق عمل با ماده ۱۷۵ مکرر قانون مجازات عمومی ناظر بماده ۱۷۳ قانون مذکور صحیح

نبوده و ضمن نقض علیرغم سمبزه عنده رسیدگی مجدد بشعبه دیگر دادگاه جنائی استان سرکن ارجاع میشود.

* * *

ردیف ۶ هیأت عمری .

پرونده - ۴۷۰۰/۸

فرجامخواه - عبدالله

فرجامخوانده - دادستان استان آذربایجان غربی .

فرجامخواسته - رأی شماره ۴۸۶-۲/۵/۱ دادگاه جنائی .

خلاصه گردشکار - عبدالله با اتهام وارد کردن . . . گرم شیره تریاک

از مرز ترکیه در ۳۸/۲/۲۳ مورد تعقیب کیفری دادسرای شهرستان رضائیه قرار

گرفته و با توجه بصورت تمجلس مورخ ۳۸/۲/۲۵ مبنی بر کشف باسناد ساده و

آئین نامه منع کشت خشخاش کیفرخواست مورخ ۳۸/۲/۲۶ در باره وی تنظیم

و دادگاه جنائی استان آذربایجان غربی ارسال میشود. دادگاه جنائی در جلسه

تقدیماتی باعتبار اینکه اتهام متهم فقط حمل تریاک است و دلیلی بر وارد کردن

آن از خارجه در پرونده امر مشهود نیست. با انطباق مورد بند ۹ از آئین نامه

اجرائی منع کشت باعتبار صلاحیت دادگاه جنجه قرار عدم صلاحیت خود را صادر

و اعلام به وارد دادگاه جنجه با انجام کلیه تشریفات قانونی دادرسی بموضوع رسیدگی

نموده و با توجه بدلائل مندرج در کیفرخواست باسناد بند ۳ از ماده ۹ آئین نامه

اجرائی قانون منع کشت خشخاش و رعایت ماده ۵۰ قانون مجازات عمومی متهم

ناسپرده را بدوماه و نیم حبس تأدیبی با احتساب ایام بازداشت گذشته و پرداخت

۷۵۰۰۰ ریال جریمه نقدی بابت هر گرم پنجاه ریال محکوم مینماید و ضمناً مقرر

میدارد که تریاک مکشوفه بادره بهداری تحویل شود محکوم علیه از محکومیت

خود و دادسرای شهرستان بعلت اشمیت موضوع و قلت مجازات تقاضای رسیدگی

پژوهشی مینماید دادگاه استان آذربایجان غربی بموضوع رسیدگی نموده و پس

از صدور قرار رفع نقص در خصوص تحقیق از اعضاء کنندگان صورتتمجلس در مورد

نحوه کشف تریاک و چگونگی دستگیری متهم و انجام آن بوسیله بازپرس نظر

باظهارات ضد و نقیض مأمورین کشف با فسخ رأی پژوهش خواسته بعلت فتد دلیل

کافی و اثباتی محکوم علیه پژوهشخواه را از بزه انتسابی تبرئه مینماید بر اثر تقاضای فرجام دادرسی استان و موافقت جناب آقای دادستان کل با رسیدگی ماهوی شعبه هشتم دیوانعالی کشور بموضوع رسیدگی نموده و چنین رأی میدهد گرچه اعتراضات دادرسی استان ماهوی و مورد نظر نیست ولیکن با توجه بدرخواست فرجاسی ماهوی دادستان کل بشرح زیر (در پرونده شماره ۴۳۱۸/۲۳ راجع بفرجامخواهی دادستان استان آذربایجان غربی از دادنامه)

دادگاه استان سزبور دائر به تبرئه عبدالله از جرم وارد کردن ۹۵۰ گرم شیره تریاک بجهات ذیل قابل نقض است تقاضای رسیدگی ماهوی و نقض آن میشود رأی با مخالف صورت مجلس کشف مورخ ۳۸/۲/۲۳ که باسضای ۱۳ نفر از سأمورین صلاحیتدار در کشف و تعقیب این قبیل جرائم مستند ممضی و اعتبار آن صادر که خلاف آن ثابت نشود مسلم است صادر گردیده و کشف عین ماده افیونی و ضبط آن صحت مندرجات آنرا تأیید میکند و استدلال دادگاه در باره اختلاف بیانات سأمورین کشف در کیفیت نیرانندازی و محل اخفاء شیره تریاک و غیره بی تأثیر در اصل موضوع بزه و بر خلاف ادله موجود و رأی قابل نقض است تقاضای رسیدگی ماهوی و نقض آن میشود (چون اعتراضات سزبور سوجه بنظر میرسد با نقض حکم سمیزعنه رسیدگی مجدد بشعبه دیگر دادگاه جنائی استان آذربایجان غربی ارجاع میشود. » دادگاه استان آذربایجان غربی بموضوع رسیدگی نموده و پس از تحقیق از متهم و استماع دفاعات نامبرده و وکیل او نظر باظهارات ضد و نقیض سأمورین کشف و بعلت فقد دلیل کافی و اثباتی متهم را با کثرت آراء از بزه انتسابی تبرئه مینماید. اقلیت دلائل موجوده در پرونده را برای احراز اتهام کافی دانسته و متهم را قابل مجازات تشخیص میدهد دادیار استان بعلت وجود دلائل کافی رأی اکثریت را سخدوش دانسته و تقاضای رسیدگی فرجاسی مینماید و این تقاضا بموافقت جناب آقای دادستان کل نیز میرسد و رسیدگی باین شعبه ارجاع میگردد. اعتراضات دادستان استان اینست که با توجه برای فرجاسی شماره ۴۰۴۸-۶/۹/۰۴ شعبه ۸ دیوانعالی کشور دائر بنقض حکم برائت ضمن رأی اکثریت محکمه بدون توجه بادله وشواهد کار و جهات استدلالی منعکس در رأی فرجاسی در اصرار صادر گردیده با توجه بجهات مذکوره در حکم تمیزی و ادله کار فرجامخواه میباشد چون اصراری بنظر میرسد در صلاحیت هیئت عمومی دیوانعالی کشور و ضمناً توضیح میشود جمله (دادگاه جنائی) مقصود دادگاه جزائی استان است.

بتاریخ روز چهارشنبه بیستم خردادماه ۱۳۴۳ جلسه هیئت عمومی بریاست جناب آقای محمد سروری رئیس کل دیوانعالی کشور و با حضور جناب آقای محمد مجلسی دادستان کل کشور و آقایان رؤسا و مستشاران شعب دیوان سرپور تشکیل پس از طرح و فرائد گزارش پرونده و مطالعه اوراق لازم با کسب عنقده جناب آقای دادستان کل سببی بر نقض رأی فرجامخواسته مشاوره نموده با کثرت بشرح زیر رأی میدهند.

اعتراضات دادسرای استان ذکر جهات و خصوصیات است که دادگاه استان مورد توجه قرار داده و با توجه بآن رأی بر برائت متهم صادر کرده است و اینگونه اعتراضات نوعاً ماهوی و خدشه بر نظر و استنباط دادگاه است که در این مرحله منشاء اثر نیست و با مراجعه پرونده کار چون از حیث رعایت اصول دادرسی و سایر جهات اشکال مؤثر موجب نقض مشهود نیست حکم سمیز عنقه ابرام میشود.

* * *

ردیف ۵ هیئت عمومی

پرونده - ۳۴/۱۰/۲۴

فرجامخواه - آقای حاج میرزا علی...

فرجامخواننده - اداره اوقاف اصفهان

فرجامخواسته - حکم شماره ۴۹ - ۴۲/۴/۲ شعبه ۲ دادگاه استان

اصفهان

تاریخ ابلاغ - ۴۳/۵/۲۷

تاریخ وصول دادخواست فرجامی - ۴۲/۷/۱

جریان دعوی - ابتدا اداره اوقاف اصفهان دادخواستی بطرفیت آقای

حبيب الله بعنوان اعتراض بدرخواست ثبت نامبرده از قریه هسته ارزیابی بمبلغ

۱۵۳۸۰ ریال مستنداً برونوشت و قفنامه و رونوشت حکم و رونوشت مشروحه حاج

میرزا علی و رونوشت دو برگ رسید حق النظاره بدادگاه شهرستان اصفهان

تقديم و درخواست نموده که چون تحقیقات محلی نسبت بششدانگ قریه مزبور در

پرونده دیگری که اعتراض ثبت نسبت بسهام سایر اخوان خواننده بعمل آمده با

مراجعه آن پرونده توأمأ رسیدگی بشود و چون وکیل اداره اوقاف حاضر نشده

دادخواست ابطال گردیده و در ساق تجدید شده و پس از دفاع خواننده و تکذیب از مدارک دادگاه قرار رسیدگی باصالت آنها را صادر کرده و بعلمت عدم حضور وکیل اداره اوقاف برای اجرای قرار مدارک از اعداد دلائل خارج گردیده و دادگاه اداره اوقاف را ببطالان دعوی محکوم کرده است که این حکم پژوهشخواسته شده و شعبه دوم دادگاه استان اصفهان بشرح حکم شماره ۴۴ - ۳۳/۶/۲۰ با استدلال اینکه «چون در مرحله نخستین از طرف اداره اوقاف بطرفیت آقای حبیب الله بوسیله دادخواست تجدیدی علیحده اقامه گفتگو شده که در نتیجه دادنامه شماره ۲۴۴ پژوهشخواسته در این موضوع صادر گردید و در مرحله پژوهشی هم مستقلاً رسیدگی و خاتمه یافته از این جهت ارتباطی با پرونده کلاسه ۴۰/۱۵/۲۰ راجع به اداره اوقاف حاج سیرزاعلی و غیره ندارد تا اینکه توأمأ رأی شایسته صادر گردد لذا مبادرت بصدور رأی شده و با ملاحظه اینکه در اثر درخواست وکیل اداره اوقاف راجع باثبات تصرفات وقف نسبت بمتصرفی حبیب الله پژوهشخواننده در املاک دهکده هسته و اصالت و مفادبرگهای مستند گفتگو از رونوشت برگ وقفنامه و سایر برگهای دیگر استناد به بازجوئی از گواهان محلی و مشیم اصفهان شد که فرار بازجوئی محلی صادر گردیده که بهزینه اداره اوقاف اجرا گردد و طبق جریان پرونده در اثر ظفره و تعلیل درخواست تجدید وقت اوقاف بازجوئی از طرف وکلای اداره اوقاف کاشف از عدم وجود گواهان است و بموجب درخواست وکیل پژوهشخواننده قرار بازجوئی محلی از اعداد دلائل اداره اوقاف خارج گردید و وکیل اداره اوقاف در جلسه اخیر دادوسی به برگ بازجوئی محلی که راجع به پرونده ۴۰/۱۵/۲۰ راجع در موضوع گفتگوی اداره اوقاف بطرفیت حاج سیرزاعلی و غیره تنظیم یافته استناد نموده که بمستند رونوشت برگ سزبور و پرونده نامبرده دادنامه برله اداره اوقاف صادر گردد گذشته از اینکه گواهان اقامه شده و سایر دلایل راجع به پرونده نامبرده تأثیر در موضوع این گفتگو ندارد نظر باینکه گواهی گواهان بمستند استماع از دیگران است و بشهادت حسین و شاهده گواهی نداده و با فرض گواهی حسین هم بتنهائی مثبت و قفیت و اثبات اصالت وقفنامه که اساس بنای این گفتگو میباشد نخواهد شد و بالجمله چون از طرف پژوهشخواه دلیلی که قاطع و مثبت و قفیت بوده باشد اقامه نگردید و در اثر فقد دلیل کافی بروقفیت سزور گفتگو دادنامه پژوهشخواسته درست بوده و استوار میشود که از این حکم اداره اوقاف بطرفیت

آقای حبیب‌الله فرجام‌خواهی نمود و شعبه سوم دیوانعالی کشور بشرح رای مورخ ۱۳/۱۰/۳۵ با استدلال اینکه (از جمله اعتراضات فرجاسی اینستکه اداره اوقاف نسبت بنسب شش‌دانگ قریه هسته اعتراض نموده و در پرونده سایر متقاضیان ثبت موارد استفاده بنفع فرجام‌خواه موجود است که با وجود تقاضای شمارالیه دادگاه از مراجعه بپرونده مذکور خودداری کرده است. این اعتراض از نظر ماده ۳۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی وارد و رسیدگی دادگاه ناقص بنظر میرسد بنابراین با استناد ماده ۲۰۹ قانون آئین دادرسی مدنی حکم فرجام‌خواسته شکسته میشود) که پس از نقض پرونده بشعبه اول دادگاه استان اصفهان رجوع شد. آقای حاج میرزا علی لایحه‌ای در تاریخ ۱۱/۴/۳۰ بدادگاه نوشته و اعلام نموده که پرونده بآن شعبه ارجاع شده و اداره اوقاف در مدت قانونی تقاضائی ننموده و چند سال است گذشته چون طبق سند رسمی و معامده قطعی قائم مقام آقای میرزا حبیب‌الله هستم تقاضای صدور قرار سقوط دعوی اداره اوقاف را نسبت به ۱۱ حبه دارم دادگاه بنا سبیده اخطار نموده که رونوشت سند خریداری خود را ارسال دارد و پس از وصول رونوشت سند استتال تقاضای سقوطی که بعمل آمده رسیدگی نموده و بشرح رأی مورخ ۲۸/۸/۳۹ قرار دادخواست سقوط دعوی را صادر کرده و در ماهیت امر بلا لحاظ حکم دیوانعالی کشور بوقیل اداره اوقاف گواهی داده که موارد استفاده خود را از پرونده ۲/۱۵/۴ اخذ نماید و در ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ گواهینامه بدفتر تسلیم دارد و اصل پرونده، ۱۵/۱۵ را پیوست کرده پس از شنیدن اظهارات و کیل اداره اوقاف و اینکه عین برگ وقفنامه از طرف ناسبیده ابراز شده و مورد ملاحظه دادگاه و آقای حاج میرزا علی در جلسه ۲۹/۷/۳۰ قرار گرفته و استماع دفاعات آقای حاج میرزا علی شعبه اول دادگاه استان پایان رسیدگی را اعلام و بشرح حکم شماره ۱۱۶-۲۹/۷/۳۰ با استدلال اینکه «اولاً - در مورد ایراد جانشین پژوهش‌خوانده که در این جلسه اظهار داشته که حکم بدوی بنفع آقای حبیب‌الله صادر گردیده قطعیت یافته و دعوی استینافی علیه ناسبیده اقامه نشده تا سوردی برای طرح آن در این مرجع باشد اشعار میدارد که خلاف این مطلب بحکایت پرونده و دادخواست استینافی و لایحه اعتراضی که در مهلت مقرر از طرف مرحوم محمدی و کیل اداره اوقاف در تاریخ ۹/۱/۳۰ تقدیم شده و ضمیمه است ثابت میباشد و ایراد مزبور حسب مجموع اوراق پرونده و دادنامه صادر از طرف دیوانعالی کشور مردود میباشد ثانیاً در خصوص اینکه

اظهار داشته دلیل منحصر بشهادت شهود بوده و اثبات و قفیت باشهادت شهود ثابت نمیشود اعلام میدارد که طبق محتویات پرونده دلیل اداره اوقاف عبارت بود از رونوشت اصل وقفنامه و غیره و استناد بگواهی گواهان از جهت انتساب ورقه مدرکیه و احیاناً تصرفات اداره اوقاف بوده ثالثاً اینکه نامبرده ابراز اصول استنادی را که در تاریخ ۲۲/۵/۴۰ برای ایشان فرستاده شده خواستار گردیده است چون این اوراق فقط عبارت از رونوشت صورتجلسه های گواهی گواهان اقامه شده در پرونده شماره ۲/۱۵/۴۰ که عین پرونده و محتویات آن در جلسه اخیر مورد ملاحظه قرار گرفته و اوراق آن ابراز شده دیگر موردی برای خواستن اصول نبوده و عین وقفنامه که مستند دیگر اداره اوقاف بوده نیز ارائه شده است رابعاً در خصوص اینکه نامبرده تقاضای تجدید وقت نموده که شهود معارض اقامه نماید چون این تقاضا مورد موافقت نماینده اداره اوقاف نیست مجوزی قانونی ندارد. خامساً در مورد اینکه مشارالیه اظهار داشته که فرمان دولتی دارد که ملک را شخصاً از دولت خریداری نموده و منال آنرا پرداخت کرده و درخواست اعطای گواهی کرده تا موارد استفاده خود را از چهار پرونده گرفته و تقدیم دارد اشعار میدارد که علاوه از اینکه این تقاضا با موقع و مقام و در واقع بمنزله استدلال جدید است که قابل پذیرش نیست اولاً چون شماره پرونده ها را بداد گاه نداده از این رو اجابت این درخواست مقدور نیست. اما در اصل مطلب نظر بر رونوشت گواهی شده عین وقفنامه مورد استناد که صحت انتساب آن حسب گواهی و شهادت آقای سید مهدی سلطان العلماء امام جمعه اصفهان و سید العراقین و حاج حسین شهشهانی و غیره ثابت و مسلم است از طرفی عین وقفنامه و کیفیت امیای نهجیات در داد گاه مورد ملاحظه قرار گرفت خود سؤید اصالت آن میباشد علیهذا و با توجه بمجموع من حیث المجموع موادی سایر گواهی گواهان که در اوراق رونوشت منعکس و مندرج است و در پرونده مربوطه نیز صورتمجلس آن مورد توجه قرار گرفته و اینکه ایرادات جانشین پژوهش خواننده نیز مدلل و موجه نمیشد. نتیجه داد گاه اعتراض اداره اوقاف را نسبت بقدرالسهم مطروحه وارد و ضمن فسخ دادنامه مورد پژوهشی رأی خود را بروقفیت دوسهم ششاع از ۱۳ سهم شش دانگ دهکده هسته صادر و اعلام میدارد « از این حکم آقای حاج سیرزا علی فرجاء خواهی نموده. شعبه چهارم دیوان عالی کشور بشرح رأی ۱۵/۳/۴۰ باستدلال اینکه « با توجه باینکه پس از نقض حکم شماره ۴ و شعبه دوم داد گاه استان اصفهان

تقاضای گواهی از برای اداره خالصجات مرکز که طبق فرمان معتبر دولتی و قبض باز خرید منال قریه هسته سه دانگ خالصه و سه دانگ اربابی است و دولت فروخته و منال را باز خرید کرده ام سوم - گواهی برای اخذ موارد استفاده از پرونده ۲/۱۰۴ که در همین شعبه حکم صادر شده و بکلاس فرجاسی ۱۴/۴/۳۲ در جریان است و هنوز بدفتر اسناد مرجوع نشده و بهمین جهات است که دسترسی فعلی ندارم متمنی است وقت مجددی تعیین شود. چهارم شهود معارضی که اینجانب داشته ام محکمه توجه ننموده مبادرت بصدور حکم کرده که یکی از علل نقض حکم در دیوان کشور همین بوده تقاضای تعیین وقت برای اقامه شهود دارم ضمناً بیان مبسوطی درباره اینکه از متصرف و ذوالید که اماره تعبدی است مطالبه دلیل خلاف قانون و شرع است کرده پس از چند جلسه تجدید وقت در جلسه ۲/۴/۲۴ که وکیل آقای حاج میرزا علی و وکیل اداره اوقاف حاضر بوده اند وکیل آقای حاج میرزا علی در باب توضیح دادگاه بلا یحه موکل خود که مورخ ۱۸/۹/۱۴ بوده و بشماره ۷۳۸-۲/۴/۲۴ ثبت شده اشاره کرده اضافه نموده است که پرونده اولیه همراه این پرونده نیست و معلوم نیست که دادخواست تجدیدی در مدت قانونی تقدیم شده است یا خیر از این جهت بقبول دادخواست مجدد اعتراض میکنم اولاً رد دادخواست تجدیدی و در صورت عدم قبول این تقاضا انجام مستدعیات موکل را خواستارم دادگاه پس از شنیدن اظهارات وکیل اداره اوقاف پایان رسیدگی را اعلام نموده و بشرح حکم اشاره ۹ و ۴ باستدلال اینکه «راجع بایراد امروز وکیل پژوهش خوانده باینکه دادخواست تجدید اعتراض به ثبت در خارج از مهلت مقرر قانونی تقدیم شده است علاوه بر اینکه حرفی است بسیار تازه که تاکنون بهیچوجه به بیان نیامده است با ملاحظه صورته مجالس سراجیل بدوی و پژوهشی همواره وکلای مشارالیه از ایراد بقبول دادخواست انصراف جسته اند بنابراین دیگر مجالی برای توجه بایراد مزبور نیست و واژه میشود نسبت بدرخواست اقامه گواهان معارضی نیز قطع نظر از اینکه گواه معارض باید پس از اقامه گواهان طرف بلافاصله اقامه شوند بالتفات باینکه شهودی که از ناحیه پژوهش خواه ادای گواهی نموده اند و مطلعین اوراق مدرکیه بوده اند و پژوهش خوانده باینکه برای اخذ توضیح احضار گردیده حاضر نشده و تعیین نکرده است که مقصود او از توسل بگواه معارض اثبات چه امری است لذا این درخواست مردود است و درباره اعطای گواهی نامه هم علاوه بر اینکه پژوهش خوانده موارد استفاده خود را صریحاً

معین نکرده است طبق مقررات قانون تمامی دلایل بایستی در اولین لایحه که در پاسخ دادخواست پژوهش مبادله شده بعمل آمده باشد و با مراجعه به پرونده چنین درخواستی نشده است و لذا قابل تربیت اثر نیست اما در ماهیت قضیه با توجه به رونوشت و متننامه مستند دعوی که اصالت آن احراز گردیده است و با التفات به گواهی گواهان که دلالت دارد خود پژوهشخوانده حاضر در مورد گفتگو بعنوان وقف مداخله مینموده است اعتراض اداره اوقاف اصفهان وارد و دادنامه پژوهشی مخدوش است و لذا با فسخ آن باستناد ادله مذکوره حکم بوقفیت دو سهم مشاع از سیزده سهم ششادانگک دهکده هشتم صادر و اعلام سگردد بشرح بالا از این حکم فرجامخواسته شده خلاصه اعتراضات اینست که اولاً - تصریح ماده ۹ قانون ثبت که از قوانین آسره است و صرفنظر از ایراد و کیل و اعم از اینکه در جلسه بدوی یا جلسه دیگر اظهار شده باشد خورد دادگاه باید رأساً توجه نموده و تجدید دادخواست اعتراض ثبت را در فرجه قانونی احراز کند و با استدلال بیوجهی ایراد بموجهیت دادخواست تجدید اعتراض ثبت وارد نموده و معتقدم ولو کیل اینجانب هم انصراف جسته باشد (که چنین اختیاری نداشته) مؤثر در مقام نبود و رافع مسئولیت دادگاه در رسیدگی باین امر نمیشود. و عدم توجه بان از موارد نقض حکم میباشد ثانیاً - در عین حالی که بصریح رأی دادگاه این حق را برای اینجانب قائل بوده که شهود معارضی اقامه نمایند و میگویند که باید شهود معارض بلافاصله اقامه شود از استماع گواهان معارض من خودداری کرده و قبل از استماع تمام ادله اصحاب دعوی بمبادرت بصدور حکم کرده است. ثالثاً در مورد اعطای گواهینامه واستفاده از موارد آن در لایحه خود صریحاً قیام کرده ام که گواهینامه ای برای اخذ موارد استفاده از اداره خالصجات و سالیه و تحقیق ثبت تقاضا میکنم دادگاه اظهار نموده که موارد استفاده را معین نکرده ام تقاضا نموده بلا لایحه مرحله پژوهشی مراجعه نمود ر بعداً - در این پرونده شاهدهی از طرف اوقاف اقامه نشده تا بلافاصله شاهد معارضی اقامه شود بلکه وکیل اداره اوقاف گواهی گرفته که از پرونده دیگری موارد استفاده خود را اخذ و تسلیم کند و چون از پرونده دیگری صور جلسه هائی را رونوشت کرده که صحت و صدق آنها اثبات نیست و بهوض اقامه شهود در محکمه با حضور طرف فقط همین رونوشتهای مجهول الصحت را تسلیم نموده که دادگاه بهوض شهود پذیرفته و در رای خود سند قرارداد داده و بنده را از حق اقامه شهود

معارضی معروض کرده است خامساً با آنکه تصریح رای همین شعبه و همین پرونده که در دیوان کشور اظهار نظر شده باینکه کیفیت تصرفات اینجانب مدیخوظ نظر دادگاه واقع گردد نه اینکه دادگاه هم خود را صرفاً بشبوت و وفیقت رقبه مدیخوظ دارد باز دادگاه هم خود را مصروف اثبات و قیقت نموده گواینه که این قسمت عم بشرح لویح تقدیمی و دلائل متقن مورد انکار اینجانب بوده است و بتصرفات مستنده اینجانب توحه نکرده و خلاصه قبل از احراز غاصبانه بودن ید اینجانب و یا قبض از ائزاع عین موقوفه بدون مجوز قانونی اینجانب را محکوم نموده است. تقاضای شکستن حکم را کرده از طرف اداره اوقاف اصفهان پاسخ رسیده است در جلسه ۴۳/۲/۲۳ مطرح گردیده پس از خواندن گزارش چون قسمت عمده استدلال و اسباب حکم فرجامخواسته با حکم منقوض قبلی یکی است موضوع اصراری نشد فیص و برای طرح در هیئت عمومی بدفتر ارسال میگردد.

بتاریخ روز چهارشنبه هیجدهم شهریور ماه ۱۳۴۳ جلسه هیئت عمومی بریاست جناب آقای محمد سروری رئیس کل دیوان عالی کشور و باحضور جناب آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی دادستان کل کشور و آقایان رؤسا و مستشاران شعب دیوان سزبور تشکیل پس از طرح و قرائت گزارش پرونده و مطالعه اوراق لازم با کسب عقیده جناب آقای دادستان کل مدنی بر ابرام رأی فرجامخواسته مشا و رده نموده با اکثریت آراء بشرح زیر رأی میدهند.

اعتراضات فرجامخواه با احراز اصالت و قفنامه مستند دعوی و سوادگی گواهی گواهان فرجامخوانده که گواهی داده اند مداخله فرجامخواه در مورد احراز بعنوان وقف بوده و با لحاظ سایر دلائل مذکور در حکم فرجامخواسته سزور در مقام نبوده و از حیث رعایت قانون و قواعد دادرسی هم حکم سزبور حائلی از اشکال است لذا طبق قسمت اول ماده ۵۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی با اکثریت آراء ابرام میشود.

ردیف ۷ هیئت عمومی

کلاس پرونده - ۴۵۸۲/۲

فرجامخواه - دادسرای استان مرکز

فرجامخوانده - جعفر...

فرجامخواستیه - دادنامه مورخ ۲۸/۱۱/۴۰ شعبه ۲ دادگاه استان

مرکز.

جریان کار - طبق مندرجات پرونده کار علی اصغر راجع به سه فقره سفته های تنظیمی مدیون جعفر بوده و از جهت اینکه مدیون قادر به بدهی خود نبود، بموجب وکالت نامه رسمی مورخ ۱۵/۳/۴۰ بدائن اختیارمیداد که املاک او را بفروش برساند و بعداً جعفر ادعا کرده که از جهت پیدا نشدن مشتری املاک را طبق سند رسمی بخود انتقال داده و در سند تنظیمی قید میکند که ثمن مورد معامله بموکل رسیده است. و علی اصغر شکایت میکند که چون جعفر ثمن معامله را بوی مسترد نداشته مرتکب بزه خیانت در امانت شده و سپس بین شاکی و متهم پرونده حقوقی در دادگاه صالحه تنظیم و شاکی نسبت بسند انتقال دعوی جعل کرده و از جهت تعیین جاعل پرونده بدادسرای شهرستان ارسال و بازپرس مربوطه نسبت بدعوی جعل قرار منع تعقیب صادر و اظهار نظر مینماید چنانچه عمل متهم خیانت در امانت تلقی گردد به علت شمول مرور زمان قرار موقوفی تعقیب صادر میگردد و شاکی از قرار بازپرس پژوهشخواستیه و دادگاه استان مرکز قرار پژوهشخواستیه را در مورد جعل استرداد و نسبت به بزه خیانت در امانت قرار بازپرسی را فسخ و پرونده بدادسرا اعاده میشود و سپس دادسرای شهرستان تهران طبق کیفرخواست مورخ ۲۷/۵/۳۷ با استناد ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی درخواست تعیین کیفر او را از دادگاه جنحه تهران مینماید و دادرسی دادگاه مزبور طبق ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی متهم را بششماه حبس تأدیبی محکوم و نسبت بدادخواست ضرر و زیان شاکی متهم را بتأدیه مبلغ ۴۴۴۰۰ ریال بابت اصل و ۳۱۹۷۶ ریال بابت خسارت تأخیر تأدیه و ۲۲۴۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی در وجه مدعی خصوصی محکوم و دائره اجرا را مکلف ساخته خسارت تأخیر تأدیه را از تاریخ صدور حکم تا تاریخ صدور اجرائیه احتساب و از محکوم وصول و بمدعی خصوصی پردازد و علی اصغر را نسبت بمبلغ ۶۰۰۰ ریال از خواسته که بدون مدرک بوده محکوم به بی حقی کرده است متهم نسبت به رأی دادگاه جنحه رسیدگی پژوهشی را خواستار و شعبه ۱۱ دادگاه استان مرکز از جهت اینکه متهم مرتکب بزه خیانت در امانت نشده دادنامه دادگاه جنحه را فسخ و او را تبرئه میکند و بلاحاط صدور حکم برائت متهم خود را خارج از رسیدگی بدعوی ضرر زیان دانسته

است. مدعی خصوصی و دادسرای استان مرکز از برای دادگاه استان فرجام‌خواسته و شعبه ۱۱ دیوانعالی کشور طبق رأی مورخ ۳۹/۳/۹ دادنامه فرجام‌خواسته را نقض و رسیدگی را بشعبه دیگر دادگاه استان مرکز ارجاع و شعبه ۳ دادگاه استان مرکز ضمن فسخ دادنامه دادگاه جنحه براءت متهم را اعلام و نسبت بدعوی مدعی خصوصی رای داده‌اند و موردی جهت اظهار نظر باقی نیست. دادسرای استان مرکز از رأی اخیر دادگاه استان مرکز فرجام‌خواسته و وکیل فرجام‌خواننده شرحی نوشته و جناب آقای دادستان کل در حاشیه گزارش دادیار دیوانعالی کشور نوشته‌اند که باید تعیین شعبه شود تا در صورت اصراری بودن در هیئت عمومی مطرح شود و پرونده باین شعبه ارجاع شده است. حکم دادگاه اصراری است و پرونده قابل طرح در هیئت عمومی دیوانعالی کشور میباید.

بتاریخ روز چهارشنبه هشتم سهرماه ۳۴۳، جلسه هیئت عمومی بریاست جناب آقای محمد سروری رئیس کل دیوانعالی کشور و باحضور جناب آقای دکتر عبدالحسین علی‌آبادی دادستان کل کشور و جناب آقای دکتر عبدالعلی دهقان معاون اول دادستان کل و آقایان رؤسا و مستشاران شعب تشکیل پس از طرح و قرائت گزارش پرونده و مطالعه اوراق لازم با کسب عقیده جناب آقای دادستان کل سببی بر نقض رأی فرجام‌خواسته مشاوره نموده بشرح زیر رأی میدهد:

بر حکم فرجام‌خواسته اشکال واردست زیرا متهم مدعی است که ثمن اسلک و رقبات موضوع و کالتنامه را در ازاء طلبی که بموجب سه فقره سفته از علی اصغر سوکل خود داشته با موافقت و اذن سوکل بابت بدهی او منظور و احتساب کرده است چون مدعی خصوصی و وکلاء مدافع اوضمن تکذیب مراتب و انکار طلب متهم مدعی جعلیت سفته‌های استنادی شده‌اند و احراز اصالت یا معجول بودن سفته‌ها در اثبات مدعای طرفین و تشخیص حقیقت امر تأیید دارد لذا همانطوریکه در رأی شعبه ۱۱ دیوانعالی کشور هم اشاره و اشارة شده است لازم بوده که دادگاه استان پس از رسیدگی بدعوی جعل و بلای الاقتضاء جلب نظر کارشناس در مورد سفته‌های ابراز شده از ناحیه متهم بصدر حکم مقتضی سبادت نماید که این قسمت مورد توجه دادگاه واقع نشده است و چون تحقیقات پرونده بجهت مشروحه ناقص است حکم فرجام‌خواسته مستند بماده ۳ و مکرر آئین دادرسی کیفری نقض و رسیدگی بدادگاه صادرکننده حکم ارجاع میشود.

آگهی

آقای کریم رحمت سمیعی وکیل پایه ۱ دادگستری طبق حکم شماره $\frac{۴۷۵۳}{۴۳/۷/۲۸}$ دادگاه انتظامی وکلاء بتوییح با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون محکومیت یافته است.

دادستان انتظامی وکلاء دادگستری

آگهی

آقای سید محمود مدنی وکیل دادگستری طبق حکم شماره $\frac{۵۲۹۵}{۴۳/۸/۱۸}$ دادگاه انتظامی وکلاء بتوییح با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون محکومیت یافته است.

دادستان انتظامی وکلاء دادگستری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آگهی

آقای دکتر سنجهر آذربور وکیل دادگستری طبق حکم شماره $\frac{۴۷۴۵}{۴۳/۷/۲۸}$ دادگاه انتظامی وکلاء بتوییح با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون محکومیت یافته است.

دادستان انتظامی وکلاء دادگستری